

مقاله پژوهشی

کوچ اجباری در دولت اورارتو: مجازات یا سیاست؟

مهسا زارعی^۱، فرشید ایروانی قدیم^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

چکیده

اورارتو‌ها یکی از اقوام باستانی هستند که نقش مهمی در پیشرفت تکنولوژی در هزاره اول قبل میلاد در شرق باستان داشته‌اند. در متون آشوری در قرن ۱۳ ق.م نام اورارتو به شکل (U(ru)a(ri) ظاهر می‌شود و با وقفه، مجدد در میانه قرن ۹ ق.م در متون مستند می‌گردد. براساس منابع اورارتویی، می‌توان دریافت که چرا با وجود تغییرات اساسی در ساختار جوامع در آغاز هزاره اول ق.م کوچ اجباری، تبعید و اسکان مجدد اتفاق افتاده و قومیت‌های ساکن همچنان به‌عنوان یک قدرت محدود باقی ماندند. مسئله اصلی این پژوهش مشخص کردن رویکرد کوچ اجباری توسط دولت اورارتو است. بر این اساس سؤالات بدین شرح ذیل مطرح شده است: دلایل و اهمیت کوچ اجباری توسط دولت اورارتو چیست؟ رویکرد و تبعات کوچ اجباری در زمان اورارتو چگونه قابل بیان است؟ این پژوهش در چارچوب مطالعات تاریخی انجام گرفته است و هدف آن مشخص کردن تبعات کوچ اجباری در دولت اورارتو است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی براساس منابع مکتوب می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اورارتو‌ها پس از جنگ‌ها و لشکرکشی‌های طاق فرسا، بر خلاف آشوری‌ها، قصد داشتند بر مناطق پیرامونی تسلط پیدا کنند. آن‌ها با اعمال نفوذ بر ایالت‌ها و ایجاد روابط مطلوب سیاسی از طریق پیوندهای قومی، احترام به خدایان منطقه و انجام آیین‌ها، سعی کرده‌اند سیاست کوچ اجباری را متفاوت از دیگر اقوام قدرتمند منطقه به اجرا بگذارند.

واژگان کلیدی: اورارتو، سیاست کوچ اجباری، تبعید، اسکان مجدد، متون اورارتویی.

مقدمه

بیماری، کم‌غذایی، سرما و... مواجهه شوند. شیوه‌های انتقال جمعیت در آناتولی به قرن ۱۳-۹ ق.م برمی‌گردد. در این دوره اورارتو به‌صورت اتحادیه‌ای اداره می‌شد. پس از آن، پادشاهی اورارتویی با تمام واحدهای اداری و اقتصادی خود هویت دولتی پیدا کرد و شروع به سازماندهی لشکرکشی‌ها به سرزمین‌های اطراف نمود و به موازات آن به شیوه‌های انتقال جمعیت متوسل شد. گروه‌های اسیر به منظور حفظ جامعه خود به جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیاز داشتند (Çilingiroğlu, 1997, 89). مسئله اصلی این پژوهش مشخص کردن رویکرد کوچ اجباری توسط دولت اورارتو است. در این پژوهش، هدف مشخص کردن گاهنگاری زمانی آغاز کوچ اجباری در دولت اورارتو و تبیین نتایج کوچ اجباری در زمان اورارتو‌ها می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در اوایل قرن بیستم، دانشمندان مارکسیسم مانند ملیکیشویلی (Melikishvili, 1951, 23) و دیاکونوف (Diakonoff, 1963, 35)

عدر زمان پادشاهی شلمنصر اول (۱۲۷۴ ق.م) منابع مکتوب به منطقه‌ای تحت عنوان Uruatri یا Nairi اشاره دارند که محل ظهور پادشاهی اورارتو بود (Salvini, 1988-2001, 87; Salvini, 2006, 287; Sevin, 1999, 150). در قرن ۹ ق.م ایالت Biainili به‌عنوان یک پادشاهی متحد در اطراف حوضه دریاچه وان تشکیل شده و به تدریج مرزهای خود را بر قفقاز جنوبی، شمال غربی ایران، شمال شرقی و جنوب شرقی آناتولی گسترش داد. تبعید یکی از اقدامات حاکمیت مسلط بر جامعه است و به لحاظ لغوی به معنای دور کردن می‌باشد. گاهی تبعید در قالب کوچ اجباری یک قوم و ملت یا برای انتقال نیروی کار در یک قالب سازمان‌یافته و منظم صورت می‌گرفت، گاهی نیز به همراه اسکان مجدد اتفاق می‌افتاد. انتقال‌های سازمان‌یافته یا تبعید و کوچ اجباری که به شکل گروهی صورت می‌گرفت با چالش‌های زیادی روبرو بود. تبعیدشدگان مجبور بودند با تحمل سختی‌ها و دشواری‌های فراوان، محل سکونت خود را ترک کنند و طی مسیر با مشکلاتی همچون

است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی براساس منابع مکتوب است. روش گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در مرحله نخست تحلیل مطالعات موجود براساس یافته‌های فرهنگی اورارتو به خصوص منابع مکتوب انجام گرفته است. در مرحله دوم نظرات اندیشمندان بررسی و سپس کارکردهای رفتاری انجام شده براساس کوچ اجباری در دولت اورارتو مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، با کنار هم قراردادن اطلاعات، تجزیه و تحلیل نهایی انجام شده است.

کوچ اجباری براساس گاهنگاری دولت اورارتو • دوره ایشپوئینی و منوآ (۸۳۰-۸۱۰/۸۱۰-۷۸۶)

گمان می‌رود ۸۲۵/۸۲۴ ق.م، سال به سلطنت رسیدن ایشپوئینی است. تسلط بر قسمتی از Hubuşkaya و رسیدن به مرزهای کشور موصل در جنوب از اولین اقدامات وی بود. پس از روی کار آمدن ایشپوئینی، پسرش منوآ (۸۱۰-۷۸۶ ق.م) را به‌عنوان ولیعهد انتخاب کرد (Çilingiroğlu, 1997, 27). در این دوره اولین گام‌ها در جهت گسترش مرزهای ایالت برداشته شد و لشکرکشی به شرق، شمال و جنوب آغاز شد (تصویر ۱).

یکی از مهمترین نکات دوره پادشاهی مشترک ایشپوئینی و منوآ سفر به خارج از سرزمین اورارتو و سیاست انتقال جمعیت برای اولین بار است. سیاست دین رسمی و دولتی که با کتیبه مهرکاپیسی در زمان حکومت ایشپوئینی و منوآ اعلام شد نشان می‌دهد که روند ایالتی شدن تکمیل شده است. با توجه به متن کتیبه می‌توان دریافت که پادشاهی بخشی از یک جامعه بزرگ دینی (دین‌محور) بوده است (Konakçı, 2006, 32). دولت اورارتو در مناطقی که گسترش یافته نیز خدایانی داشت که بر طبق این کتیبه آن‌ها را به مجمع خدایان خود افزوده است. این امر در عین حال مبین پذیرش خدایان مردم سرزمین‌هایی بود که سیاست جابجایی عمده جمعیتی در مورد

تبعید اسیران جنگ توسط پادشاهان اورارتو را وسیله‌ای برای به‌دست آوردن بردگان می‌دانستند. دیاکونوف معتقد بود که در جامعه اورارتویی بردگان به‌عنوان طبقه‌ای به نام Purale وجود داشتند که معمولاً اسیران جنگی بودند. در کتابی با عنوان «متون معاهده سیاسی دولت هیتی براساس اسناد میخی بوغازکوی و اوگاریت» که توسط گونگورکارا اغوز در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است، NAM.RA بخشی ضروری از انتقال افراد در دوره هیتی بوده است. بر این اساس اولین شیوه‌های انتقال جمعیت انبوه در آناتولی باستان با هیتی‌ها مشاهده شده است (Akkuş, 2007, 303). در مطالعه‌ای با عنوان «نمونه‌هایی از جابه‌جایی‌های جمعیت در عصر آشورنو» توسط هانده دورموش که در سال ۲۰۱۲ منتشر شده شیوه‌های جابه‌جایی یا سیاست‌های مرتبط با تبعیدهای انجام شده در دوران پادشاهان آشورنو بر طبق متون میخی مورد بحث قرار گرفته است. مجدداً در مطالعات هانده دورموش با عنوان «پادشاهی آرامی در منابع مکتوب دوره آشورنو» منتشر شده در سال ۲۰۱۲ وی به نقش آرامیان در مورد انتقال جمعیت اشاره می‌کند که این اقوام توسط چه کسی و به کجا منتقل شده‌اند. مارگارت پین در کتابی با عنوان «کاتالوگ اسناد میخی اورارتو» که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است در مورد متون لشکرکشی‌های پادشاهان اورارتویی و انتقال جمعیت آن‌ها صحبت می‌کند (Payne, 2006, 83). آلتان چیلینگیر اوغلو در مقاله‌ای با عنوان «انتقال جمعیت اورارتویی» که در سال ۱۹۸۳ منتشر شده به دلایل و پیامدهای سیاسی و اقتصادی انتقال جمعیت در دوره اورارتویی پرداخته است (Çilingiroğlu, 1976, 320).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب مطالعات تاریخی انجام گرفته است و هدف آن مشخص کردن تبعات کوچ اجباری در دولت اورارتو



تصویر ۱. پادشاهی اورارتویی و حوزه نفوذ و گسترش آن‌ها. مأخذ: Gökce et al., 2012, 107.

کرد و با فتح مکان‌های جدید در آن‌جا، مرزهای پادشاهی را گسترش داد. در سال‌های اول و دوم سلطنت (۷۸۰-۷۵۶) وی به بخش‌های شمالی اهمیت خاصی می‌داد. در آن زمان، دولت اورارتو در منطقه‌ای بین دریاچه سوان و رود ارس، سیستم یکپارچه اداری قوی ایجاد کرد و در همه مکان‌های قابل دسترس عملیات نظامی انجام داده و استل‌هایی در آن‌جا برپا نمود. در واقع از میان کتیبه‌هایی که به نشانه لشکرکشی‌ها به سمت قفقاز نوشته شده است، شمالی‌ترین آن‌ها مانند کتیبه Kanlica، Hanak/ Ortakent نام برد (Konakçı, 2006, 35). در سالنامه‌ای از آرگیشتی I به نام «Horhor» که در آن خلاصه‌ای از لشکرکشی‌های آن دوره از توشیا به‌دست‌آمده، از سه لشکرکشی به مناطق مختلف نام برده شده است (Işıklı, 2000, 63). آرگیشتی در کتیبه Hanak/ Ortakent می‌گوید که کنترل منطقه Tarius در این منطقه به دست گرفت و سپس به مرز کشورهای Huşa ve Bia رسید (Payne, 2006, 183). با توجه به متون این کتیبه، آن‌چه بسیار حائز اهمیت است در واقع نشان‌دهنده این است که در مناطق شمالی تا مرز Diauehi رسیده اند. یکی دیگر از کتیبه‌های مهم متعلق به دوره آرگیشتی I، کتیبه Sarikamış (Ünsal, 2008, 22) است که مشخص می‌کند سیاست آرگیشتی I باعث سلطه اورارتویی‌ها در منطقه شمال شده است. این کتیبه و دیگر کتیبه‌ها همچون Horhor، حاوی اطلاعاتی از عملیات نظامی این دوره می‌باشد. آرگیشتی I در لشکرکشی‌های خود به جنوب دریاچه ارومیه افرادی را که تعداد آن‌ها مشخص نیست به منطقه دیگری منتقل کرده است. وی در لشکرکشی‌های خود از شرق دریاچه ارومیه تا کشور مانا، در مجموع ۱۸۸۲۷ نفر را اسیر کرده است (Payne, 2006, 151). در هیچ‌یک از کتیبه‌هایی که از این هشت لشکرکشی صحبت شده طبقه‌بندی عددی افراد به‌عنوان زنان، مردان و کودکان صورت نگرفته است. جلوگیری از همکاری جوامع ساکن در جنوب دریاچه ارومیه با آشور باید یکی از مهمترین دلایل این نقل و انتقالات باشد (Konakçı, 2006, 38).

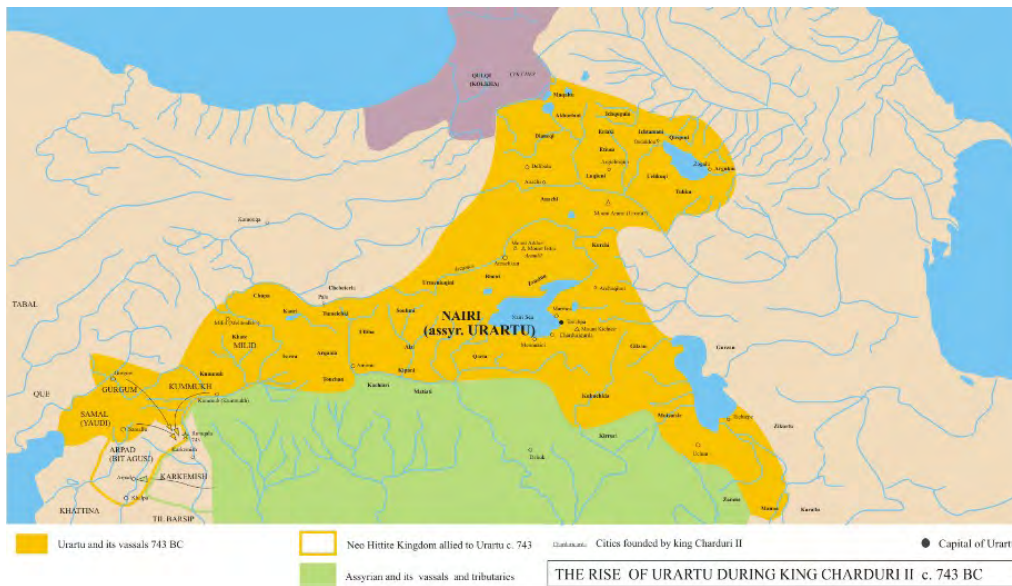
• دوره ساردوری II (۷۳۰-۷۵۵ ق.م)

ساردوری II قدرت خود را براساس موفقیت خود در لشکرکشی‌های غربی، شمالی و شرقی که توسط پدرش آرگیشتی I سازماندهی شده بود، شکل داد. دستاوردهای پدرش به‌ویژه در مناطق شمالی و شرقی، وی را برای اعزام به مناطق غربی و شمال‌غربی هدایت کرد (تصویر ۲). در کتیبه Analkız برای اولین‌بار با نام مناطقی روبرو می‌شویم که ساردوری II در لشکرکشی خود به قفقاز جنوبی از آن‌ها یاد کرده است. لشکرکشی به این کشورها و شهرهای جدید که پیش از این در کتیبه‌های سلطنتی ذکر نشده بود را می‌توان به تلاش برای گسترش مرزها در مناطق شمالی تعبیر کرد. ساردوری II ۳۰۰ نفر را به مناطق جدید انتقال داد و موفق

آن‌ها از سمت دولت اورارتو اعمال شده است. کتیبه‌های متعلق به ایشپوئینی، کتیبه‌های ساختمانی قلعه‌هایی است که به فرمان وی ساخته شده است و بیشتر آن‌ها در توشیا پایتخت و اطراف آن مانند Zivstankale، Aşağı Anzaf و Patnos قابل معرفی است (Çilingiroğlu, 1997, 28). کتیبه Kasimoğulları نشان می‌دهد که اورارتوئیان به مناطق شمالی و شمال‌شرقی دریاچه وان لشکرکشی انجام داده و مناطق Lusha، Eturiki، Anaşe و Katarza تسخیر شده است (Payne, 2006, 37; Pehlivan, 2013, 198). براساس این کتیبه می‌توان استنباط کرد که انتقال جمعیت در نتیجه سفرهای شمالی صورت گرفت و گروه‌های زنان و مردان احتمالاً از شهر Anaşe به وان و اطراف آن منتقل شده‌اند (Konakçı, 2006, 20). ایشپوئینی با لشکرکشی به شمال غرب ایران بارسوا را تصرف کرد (Çilingiroğlu, 1997, 30). با این لشکرکشی ایشپوئینی و منوای عملیات نظامی خود را در حوضه دریاچه ارومیه آغاز کردند. از کتیبه Karagündüz اطلاعاتی در مورد این سفر جنگی قابل شناسایی است. دولت اورارتو در جریان لشکرکشی‌هایی که با ارتش منظم به این منطقه انجام داد سیاست انتقال جمعیت را نیز انجام داده است. کتیبه کله شین تبعیدهایی که در طول لشکرکشی‌های شرقی در زمان پادشاهی مشترک اسیر شده‌اند را منعکس کرده است. با این حال، این گفته که آن‌ها پس از پشت‌سر گذاشتن این کشور «آن را بین کشورها توزیع کردند» احتمالاً به این معنی است که تبعیدی‌ها در مسیر انتقال در مناطق مختلف اسکان داده شده‌اند. با این روش، پادشاهی برای جلوگیری از شورش‌هایی احتمالی طبق برنامه‌ریزی‌هایی این اسکان را انجام داده باشد. در دوره‌ای که منوای به‌تنهایی به قدرت رسید بیش از ۱۱۰ کتیبه به‌خوبی سازماندهی شده بود که اورارتو را قدرتمند نشان داده و آن را تبدیل به یک دولت بزرگ و شکوفا نشان دهد (Payne, 2006, 38; Çilingiroğlu, 1994, 55) که به‌عنوان پروپاگاندا ی اورارتو (Iravani Ghadim, 2017, 127-136) قابل معرفی است. منوای برای دفاع از تمام جاده‌های اصلی منتهی به پایتخت توشیا به‌ویژه جاده‌هایی که از شمال و شرق می‌آمدند فعالیت‌های ساختمانی انجام داد. برای این منظور پادشاه اورارتویی قلعه‌های Körzüt، Muradiye، Karahan، Aşağı Anzaf، Bostankaya، Kubik، Hacihatun، Sint، Çaldıran و Alikale را ساخت (Çilingiroğlu, 1994, 59). نیاز به نیروی انسانی باعث شد که شیوه‌های انتقال جمعیت که در دوره پادشاهی مشترک ایشپوئینی و منوای آغاز شده بود، به‌طور فزاینده‌ای ادامه یابد و به‌کارگیری افرادی که در نتیجه سیاست‌های انتقال جمعیت در مناطق خالی از سکنه آورده شدند، منابع و حمایت‌هایی برای کشاورزی، تولید و اقتصاد اورارتویی فراهم شد.

• دوره آرگیشتی I (۷۶۴-۷۸۶ ق.م)

آرگیشتی I با لشکرکشی‌هایی که انجام داد، سلطه اورارتوها را تا مناطق Malatya-Elazığ و Erzurum، Gökçe Göl تثبیت



THE RISE OF URARTU DURING KING CHARDURI II c. 743 BC

تصویر ۲. نقشه اورارتو در ۷۴۳ پ.م. مأخذ: Kotoub, 2019, 10.

جز جمله‌ای که می‌گوید در لشکرکشی به نواحی شمالی، زنان و مردان را منتقل کرده و در Biainili اسکان داده است اطلاعاتی در دست نیست. در دوره روسا II و آرگیشتی II مشاهده نمی‌شود که سیاست انتقال و تبعید جمعیت مانند دوره ساردوری II به وقوع پیوسته باشد. دلیل قهقرایی در سیاست کوچ اجباری ممکن است حملات کیمریان و آشوریان باشد.

• دوره آرگیشتی II (۷۱۳ ق.م)

منابع مکتوب اندکی متعلق به این دوره وجود دارد. با این حال، دو ستون یافت شده در Razlık و Neştaban نشان می‌دهند که آرگیشتی به سمت شرق دریاچه ارومیه پیشروی کرده است. گمان می‌رود حرکت آرگیشتی II در راستای لشکرکشی هشتم سارگن II و تغییر موازنه قوا در جنوب و جنوب شرقی دریاچه ارومیه در برابر اورارتو (Konakçı, 2006, 89) و خروج منطقه مانا از حاکمیت اورارتویی بوده باشد. اتفاقی که در دوران حکومت آرگیشتی II بیش از همه موجب آزار شده حضور اقوام کیمر است. آرگیشتی II در سال ۷۰۷ ق.م با کیمریان روبرو شد و از کیمریان شکست خورد (Luckenbill, 1926, 35). آرگیشتی II پس از نجات در مقابل کیمریان فعالیت‌های عمرانی را در مناطق مختلف آغاز کرد. وی تاکستان‌ها، باغ‌ها و کانال‌های آبی مختلفی در این مناطق ساخت. هنگامی که پراکندگی برخی از قلعه‌های ساخته شده توسط آرگیشتی II بررسی می‌شود، مشخص می‌شود که مرزهای اورارتویی‌ها به‌ویژه در منطقه شرقی رشد قابل توجهی داشته است. دو کتیبه یافت شده در سراب نشان از حضور اوراتوئیان در منطقه دارد (Çilingiroğlu, 1994, 140). گمان می‌رود سیاست کوچ اجباری به دلیل گسترش مرزهای سیاسی به شرق براساس سیاست دولت اورارتویی و ساخت‌وسازهای گسترده در سرزمین اصلی اورارتو ادامه داشته باشد.

شد ۳۵۰۰ مرد، ۴۰۰۰ جنگجو و ۱۵۰۰۰ زن را از شهرهای اشغالی منتقل کند. تعداد زنان کوچ داده شده بیش از دو برابر تعداد مردان و مردان جوان بوده است. ساردوری II در مقابله با شورش‌های منطقه استراتژی‌های متفاوتی اتخاذ کرد. در شورش‌های اطراف کوه‌های Bamni ساردوری II مردم آن‌جا را کشت. طی این اقدام افراد فعال در این قیام توسط خداوند تئوشیبا سوزانده شدند. پادشاه اورارتویی ۳۷۸۰۰ نفر، شامل ۱۰۰۰ جوان، ۴۶۰۰ مرد و ۲۳۲۰۰ زن از مردمی که در این شورش شرکت داشتند به توشیا و اطراف آن انتقال داده است (Konakçı, 2006, 59-61; Ünsal, 2008, 24-25). در پایان لشکرکشی ساردوری II به منطقه ارومیه، کشور مانا، بار دیگر به سرزمین‌های اورارتو پیوست. سازماندهی مجدد سفرهای اعزامی به شهرهای این منطقه باید به دلیل شورش‌ها و میل به غنایم باشد.

• دوره روسا II (۷۳۰-۷۱۴ ق.م)

پس از ساردوری II پسرش، روسا II بر تخت سلطنت نشست. در این دوره خطر کیمریان و آشور با روی کار آمدن سارگون II ادامه داشت. در استل Topuzova ذکر شده است که اورزانا، پادشاه شهر Ardini (موصاصیر) در مقابل روسا شورش کرد و روسا در برابر وی لشکرکشی ترتیب داد. براساس این مجادلات اورزانا پادشاه شهر Ardini به‌عنوان والی این استان منصوب شد. دولت اورارتو با حاکمان محلی این منطقه اتحادیه‌هایی را علیه آشور به‌وجود آورد (Çilingiroğlu, 1997, 40-41). در یک استوانه دو زبانه به‌دست آمده از Movana واقع در غرب دریاچه ارومیه، مبارزه روسا II با اورزانا شرح داده شده است (Payne, 2006, 155-157). ارزیابی انتقال جمعیت انجام شده در دوره روسا II دشوار به نظر می‌رسد، زیرا تعداد افراد منتقل شده در این دوره در کتیبه‌ها منعکس نمی‌شود.

• دوره روسا III (۶۸۵-۶۴۵ ق.م)

در این دوره، اورارتوها به پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود ادامه دادند. براساس کتیبه‌ها، سیاست استقرار در دوره روسا III براساس احداث «شهرهای پیرامونی» بوده است (Çilingiroğlu, 1994, 141). در کتیبه‌های متعلق به روسا III اطلاعاتی در مورد لشکرکشی‌های نظامی یافت نشده است، ولی ویژگی مهم این دوره اصلاحات جدید و کارهای انجام‌شده در زمینه عمران است. روسا III به‌عنوان فرمانروایی ظاهر می‌شود که استقرارهای Karmir Blur, Bastam, Toprakkale، Ayanis و Kefkalesi (Zimansky, 1995, 171-180) را در جغرافیای تحت سلطه اورارتو بنا کرده است. تأسیس دومین شهر بزرگ دولت اورارتو در شمال غرب ایران با نام Bastam نشان‌دهنده فعال شدن حضور سیاسی و نظامی اورارتو در شمال غرب ایران در دوره روسا III است (Muscarella, 1971, 45). سیاست کوچ اجباری در دوره روسا II باید براساس یک مفهوم از پیش محاسبه‌شده برای رفع نیازهای پادشاهی باشد. در نظام اقتصادی جدیدی که روسا III کوشید تا در مناطقی که ساخته بود ایجاد کند، احتمالاً به‌طور سیستماتیک از مردمانی غیر از اقوام اورارتویی بهره برده باشد. نقشه‌های شهرهای پیرامونی که در این دوره ایجاد شد، نشان از اهمیتی است که روسا به این شهرها برای منافع اقتصادی پادشاهی می‌داد. این دوره را می‌توان به‌عنوان دوره‌ای پذیرفت که سیاست انتقال جمعیت و کوچ اجباری پس از روسا III در پادشاهی اورارتو ناپدید شد.

رویکردهای کوچ اجباری در دولت اورارتو

دولت اورارتو برای اجرای سیاست کوچ اجباری در سرزمین‌های اشغالی با چالش‌های زیادی روبرو بود. تأسیس شهرهای جدید، ایجاد مناطق پیرامونی شهرها، ایجاد اراضی مناسب برای کشاورزی و به‌دست آوردن جمعیت مورد نیاز برای تأمین نیروی نظامی و ساخت‌وسازها برای بن‌های عام‌المنفعه بخشی از مقاصد آن‌ها بود. در تعدادی از کتیبه‌های اورارتویی، متعلق به اوایل دوران ایشیوئینی، مکرراً ذکر شده است که پس از ادای احترام به خدای بزرگ اورارتو، گروه‌های بزرگی از مردم، از سرزمین‌های فتح‌شده خارج شده‌اند. کوچ اجباری مردم در مقیاس وسیع در طول دوره اورارتو از منوا تا روسای II به‌طور قابل توجهی ادامه داشته است. براساس بررسی‌های انجام‌شده رویکردهای کوچ اجباری در دولت اورارتو به شرح ذیل قابل بیان هستند.

• رویکرد اقتصادی و ساخت‌وساز

تلاش برای تبدیل یک دولت‌شهر به یک امپراطوری بدون وجود نیروی انسانی بزرگ و پایدار غیرممکن بود. این نیروی انسانی نیاز به پشتوانه اقتصادی قوی داشت و اقتصاد باید با نیروی انسانی بیشتر حمایت می‌شد. در نتیجه وجود یک نیروی مسلح قوی برای عملکرد صحیح بین دو عامل مرتبط مورد نیاز بود. مردم اسیر شده را می‌توان به‌عنوان یک کالا در نظر گرفت (Oded, 1979, 78).

برای پادشاهان اورارتویی، تهیه نیروی انسانی و ایجاد یک سیستم اقتصادی بادوام که در ابتدا به آن نیاز داشتند، آسان نبود. آن‌ها سعی داشتند اقتدار مرکزی خود را با یک دوره ۲۰۰ ساله کنترل مداوم و تحرک نظامی حفظ کنند. اولویت با مسیرهای مهم منتهی به زمین‌های کشاورزی، منابع زیرزمینی یا مسیرهایی که کاروان‌های تجاری در آن تردد می‌کردند داده شده بود. هرچند اورارتوها ضرورت ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اهداف اقتصادی خود در شهرهای تازه تأسیس را درک کرده بودند، اما شرایط استقرار محلی حوضه دریاچه وان باعث شد که پادشاهی با موانع اولیه روبرو شود. مقامات مرکزی برای اسکان افراد کوچ داده شده باعث احداث سکونتگاه‌های جدیدی در منطقه شد. عامل اصلی در انتخاب مکان برای شهرهای سلطنتی توان کشاورزی بود. سیاست شهرک‌سازی دولت اورارتویی تنها با تحت کنترل درآوردن قبایل منطقه و به خدمت گرفتن یا بردگی و کوچاندن آنان از مناطق تازه فتح‌شده به امپراطوری ممکن بود. یکی از روش‌هایی که این پادشاهی برای غلبه بر این مشکلات به کار گرفت، تأسیس شهرهایی در اطراف شهر مرکزی (شهرهای پیرامونی) بود. از طریق این شهرها، پادشاه، هم پتانسیل کشاورزی دشت‌ها را در انحصار خود درآورد و هم جمعیت مورد نیاز برای انجام این کارها را که از کشورهای دشمن آورده بود، به آن‌ها اجازه داد تا با فرصت‌های ایجادشده توسط پادشاهی زندگی کنند (Konakçı, 2006, 66-69). شهرهای پیرامونی در اطراف قلعه‌های Karmir Blur, Bastam، Ayanis، Aadilcevaz و Kefkalesi که توسط روسا ساخته شده بود، شناسایی شدند. بین اشیای غارت شده و بردگان که باید آن‌ها را نیز غنایم جنگی تلقی کرد، چه «کوچ اجباری» و چه «تبعید یا انتقال جمعیت برده شده» تفاوتی وجود نداشت. با این حال، وقتی سهم آن‌ها در تولید (نیروی کار متخصص) و خدمات به ارتش اورارتویی در نظر گرفته می‌شود، به نظر می‌رسد که آن‌ها به لطف سیاست شهرهای پیرامونی ضعف مهمی را پوشانده‌اند، هر چند که به معنای امروزی آن‌ها شهروند محسوب نمی‌شوند. در کتیبه معبد آیانیس آمده است که پادشاه روسا II، چگونه اسرایی آورده و آن‌ها را به‌عنوان نیروی کار در ساخت آیانیس استفاده کرده و در شهر بیرونی (محوطه پیرامونی) داده است. پادشاهان اورارتویی با ساختن این ارگ‌ها/شهرها، مناطق کشاورزی را نیز توسعه دادند و باغ‌ها، تاکستان‌ها و مناطق کشت جدیدی را ایجاد کردند که مراکز شهری جدید را احاطه می‌کردند. گسترش سریع پادشاهی اورارتویی در دوران سلطنت منوا، آرگیشتی I و ساردوری II، سرزمین‌های وسیعی را تحت کنترل خود درآورد که برخی از آن‌ها پرجمعیت بودند، در حالی که برخی دیگر کم‌وبیش رها یا به‌دلیل جنگ به سرزمین‌های متروک و بایر تبدیل شده بودند (Çilingiroğlu, 1997, 31). منوا در ۵۱ کیلومتری توشپا کانالی به نام Şamran Suyu برای انتقال آب شیرین ساخت که

کتیبه‌های منوآ آمده است که منوآ اسیران جنگی را برای استخدام در ارتش اورارتویی فرستاد (Payne, 2006, 48-59). در سالنامه آرگیشتی I در مورد استقرار Erebuni، گفته می‌شود اسکان ۶۶۰۰ سرباز (مردان نبرد) از سرزمین Meltia و Şupani رخ داده است (Melikishvili, 1951, 68). آرگیشتی I از به اسیر گرفتن ۱۰۱۴۰ (جنگجوی) زنده در لشکرکشی خود اشاره کرده است. به همین ترتیب، ساردوری II در سه نوبت به اسارت جنگجویان شامل ۶۰۰۰ نفر از Baruta، Manna و Babilu، ۴۰۰۰ نفر از سرزمین‌های Etiuni و در آخر ۲۰۰۰ جنگجو از سرزمین Urme اشاره کرده است (Grayson, 1991, 110). آرگیشتی I و ساردوری II بارها از به خدمت گرفتن جنگجویان سرزمین‌های فتح شده صحبت کرده‌اند و اصلاً بعید نیست که این جنگجویان در ارتش اورارتو به صورت رسمی به کار گرفته شده باشند. در فهرست غنایم اورارتویی مواردی وجود دارد که از کودکان نیز نام برده می‌شود. این احتمال وجود دارد که کودکان نیز در ارتش استخدام شده باشند. مانند جنگجویان، کودکان یا پسران جوانی که در ارتش استخدام می‌شدند هیچ وابستگی به کشور یا منطقه‌ای که در آن اسکان داده شده بودند، نداشتند. اولین اشاره به کودکان در زمان سلطنت ایشپوئینی در کتیبه Karagündüz بوده است که لشکرکشی نظامی به Mešta و Barsua ثبت شده است.

• رویکرد اجتماعی

گاهی از اعضای خانواده سلطنتی و مردان دربار در بین تبعیدشدگان نام برده شده است. در برخی موارد نیز تبعیدشدگان سرباز و گاهی صنعتگر نامیده شده‌اند. در دو مورد از اسیران به عنوان برده، نام برده شده است. بنابراین واضح است که اورارتوها خود را محدود به طبقه یا گروه اجتماعی خاصی نمی‌کردند. بلکه افراد مختلف جمعیت سرزمین فتح شده تبعید می‌شده‌اند. در عین حال باید تأکید کرد که اورارتوییان مردان را همراه با خانواده‌هایشان نیز تبعید کرده‌اند. تبعید زنان همراه با خانواده‌هایشان دو هدف اصلی داشت: الف) جلوگیری از فرار تبعیدشدگان به وطن خود و ب) برای بهبود چشم‌انداز اسکان تبعیدشدگان و ریشه‌دار کردن آن‌ها در مکان جدید. سیاست‌های کوچ اجباری در دوره ساردوری II مانند دوره آرگیشتی I دارای اهمیت زیادی بود و هزاران نفر در مناطق جغرافیایی بسیار بزرگ جابه‌جا شده‌اند. هنگامی که افراد منتقل شده در دوره ساردوری II با دوره آرگیشتی I مقایسه می‌شوند، تغییرات مهمی در کتیبه‌ها جلب توجه می‌کند. در زمان این پادشاه تعداد زنان منتقل شده به‌ویژه در لشکرکشی‌ها به سمت سرزمین‌های شمال افزایش زیادی داشت. تعداد زنان به بیش از ۱۱۳۰۰۰ نفر رسیده است. این رویکرد سیاسی ساردوری II باید دلایل مختلفی داشته باشد. اکثر زنانی که با انتقال جمعیت منتقل شده‌اند، کسانی بودند که در مناطق شمالی زندگی می‌کردند و مناطق شمالی همواره سعی در شورش علیه

امروزه نیز استفاده می‌شود (Çilingiroğlu, 1994, 65). رویکرد اورارتویی‌ها در اسکان مجدد اسرای جنگی و استفاده از آن‌ها در کشاورزی و کارهای عام‌المنفعه که با ایشپوئینی-منوآ شروع شد (Sevin, 1979, 101; Çilingiroğlu, 1983, 308) روند توسعه را سرعت بخشید.

• رویکرد سیاسی/ادینی-نظامی

کوچ اجباری نخست در دولت اورارتو به عنوان مؤلفه‌ای خاص از سیاست دولت اورارتو انجام شد که با پیامدهای جمعیتی و فرهنگی گسترده خود به یکی از ویژگی‌های نظام‌مند سیاست پادشاهی اورارتو و مهم‌ترین ابزار تسلط آن بر سایر مردمان تبدیل شود. بسیاری از قبایلی که در نزدیکی سرزمین‌های مرزی ساکن بودند، همیشه برای دولت اورارتو مشکلات جدی ایجاد می‌کردند و پادشاهان اورارتو نیز بدون هیچ تسامحی دست به اقداماتی می‌زدند. یکی از این اقدامات کشتن مردم و دیگری کوچ اجباری بود. اقدامات ایشپوئینی و منوآ در حکومت مشترکشان علیه قبایل شورشی ساکن قفقاز جنوبی نمونه‌ای از این نوع کوچ اجباری بود. شاه ایشپوئینی در کتیبه‌ای اظهار می‌دارد که «از سرزمین‌های Anaşe و Eturiki، ۱۶۷۰ زن و ۱۰۰۰ مرد را با خود بردم، برخی را کستم و برخی را زنده از آن سرزمین بیرون آوردم» (Payne, 2006, 43). از بسیاری از کتیبه‌ها این گونه استنباط می‌شود که منوآ از سیاستی پیروی می‌کرد که هدف آن تصرف نظامی و در عین حال گسترش بود. در پایان سفرهای منوآ هزاران نفر به عنوان غنیمت منتقل می‌شدند. استقرار افراد اسیر شده از لشکرکشی‌ها در دشت ارومیه می‌تواند به عنوان یک سیاست امنیتی تلقی شود. منوآ با این عمل از شورش‌های احتمالی در منطقه ارس جلوگیری کرده است (Melikishvili, 1960, 220). آرگیشتی I در مدت حضورش در قدرت، افراد زیادی را از طریق کوچ اجباری به مناطق دیگر فرستاده باشد. ساردوری II در آغاز لشکرکشی‌های خود در منطقه Leninakan اجازه کنترل ایالت را به کیمریان واگذار کرد. پادشاه اورارتویی باید برای دور نگه داشتن نیروهای دشمن از مرز پادشاهی یک منطقه حائل ایجاد کرده باشد. او پس از تصرف شهرها در طول لشکرکشی‌های خود، مردم ساکن در این منطقه را به کشور Biainili کوچانده است. ارزیابی تأثیر سرکوب‌هایی که روسا I در نواحی شمالی انجام داد و اعمال سیاست کوچ اجباری در این دوره حائز اهمیت است. ایجاد تغییرات عمده جمعیتی در این منطقه توسط روسا I و پادشاهان قبلی ممکن است در ابتدا تهاجمات کیمریان از شمال را تسهیل کرده باشد یا اهمیتی که روسا I به قبایل این منطقه می‌دهد، اقدامی پیشگیرانه در برابر حملات نزدیک به کیمریان بوده باشد. آنچه از کتیبه‌های سلطنتی آشکار می‌شود این است که در میان تبعیدشدگان جنگجویانی وجود داشتند که بسیاری از آن‌ها قبلاً در ارتش کشور خود خدمت کرده بودند و سپس در ارتش اورارتویی به کار گرفته شدند. در یکی از

اقتدار اورارتویی داشته است. همچنین گمان می‌رود در مناطقی که زنان منتقل شده در آن مستقر خواهند شد، افزایش جمعیت در درازمدت مد نظر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه جنگ‌های موفقیت‌آمیز در دوره‌های مختلف پادشاهان اورارتو، مردمان اسیر شده برای اهداف خاصی مورد استفاده قرار گرفتند و برای رسیدن به این هدف، به‌طور دسته جمعی از کشور تسخیر شده به مناطق دیگر منتقل شده‌اند. در برخی موارد نه تنها افراد اسیر در جنگ، بلکه مردمان منطقه نیز که در جنگ شرکت نکرده بودند به‌صورت گروهی از سرزمین خود به مناطق دیگر کوچانده شده‌اند. کوچ اجباری در دولت اورارتو از دوره ایشپوئینی و منوآ از قرن ۸ ق.م براساس سیاست توسعه‌طلبی دولت اورارتو آغاز شد. این فعالیت علاوه بر ریشه کن کردن شورش‌های احتمالی با رویکردهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی صورت گرفت. بر این اساس پادشاهان اورارتو قادر به هماهنگی عملیات پیچیده و غلبه بر مشکلات مربوط به انتقال گروه‌های انسانی از مکانی به مکان دیگر و در فواصل بسیار زیاد بودند. اهداف پادشاهان اورارتو از به اسارت گرفتن و انتقال افراد از مناطق تسخیر شده به منطقه دیگر صرفاً به منظور مجازات آن مردم نبود. با توجه به داده‌های به دست آمده از کتیبه‌های اورارتویی، بدیهی است که کوچ‌های اجباری دسته‌جمعی صورت گرفته است که به احتمال زیاد بیشتر به دلایل سیاسی انجام شده است که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. به‌عنوان مجازات برای شورش علیه حکومت اورارتویی؛ ۲. برای به خدمت گرفتن سربازان جدید در ارتش اورارتویی؛ ۳. استفاده از اخراج به‌عنوان منبع نیروی کار غیر ماهر و ماهر؛ ۴. برای آباد کردن مراکز شهری جدید و پیرامونی و استفاده از زمین‌های بلااستفاده برای سکونت‌گاه‌ها و کشاورزی و ۵. تأمین امنیت مناطق مرزی و جلوگیری از شورش‌های احتمالی.

بخش زیادی از مردمی که توسط فرمانروایان اورارتویی از طریق لشکرکشی‌های نظامی به‌دست آمده بودند، در پروژه‌های ساختمانی بزرگ مشغول به کار می‌شدند. این پروژه‌ها شاید تا حد زیادی با خراج و غنایمی که عمدتاً از ماوراءالنهر و شمال غرب ایران و قفقاز جنوبی به‌دست می‌آمد تأمین می‌شد. پادشاهان اورارتو به منظور تأمین نیازهای غذایی گروه‌های مورد نظر، در طول تاریخ خود سعی در افزایش ظرفیت کشاورزی مناطق مورد نظر داشته و با اسکان دادن کوچانده‌شدگان در مناطق خالی از سکنه ظرفیت کشاورزی مناطق مورد نظر را به حداکثر رسانده‌اند. در بسیاری از موارد تعیین مکان مقصد غیرممکن است و این امر کشف مسیرهای اصلی کوچ‌های اجباری را برای مادشوار می‌سازد. ولی براساس اطلاعات به‌دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت

بیشتر کوچانده‌شدگان در مرکز Biainili و شهرهایی که ظرفیت کشاورزی داشته‌اند اسکان داده شده‌اند. حرکت اصلی کوچ‌های اجباری در دوران پادشاهی اورارتو به Tušpa پایتخت اورارتوییان بوده است. با وجود آگاهی ما مبنی بر اغراق آمیز بودن ارقام در برخی موارد و با وجود گزارش‌هایی درباره تبعیدشدگان به سرزمین‌های متعلق به اورارتو آورده شده‌اند. از اهداف اورارتوییان افزایش جمعیت (یعنی نیروی انسانی) اورارتویی عمدتاً در شهرهای اصلی بود؛ که علی‌رغم سیستم تبعید «دو طرفه» که توسط اورارتوها به کار می‌رفت، تعداد تبعیدشدگان از منطقه‌ای خارج از اورارتو بسیار بیشتر از تعداد کسانی بود که به آن منطقه تبعید شدند. هدایت تعداد زیادی از تبعیدشدگان به سرزمین‌های اورارتو باعث ایجاد عدم توازن در خروجی و ورودی افراد به یک منطقه معین می‌شد. عدم تعادل به نفع اورارتو بود و معمولاً آن‌ها را در محوطه‌های پیرامونی اسکان می‌دادند. دولت اورارتو شیوه‌های انتقال جمعیت را برای توسعه دولت به‌طور منطقی ارزیابی کرده بود. اسرای را که از مناطق مختلف گرفته شده و سپس اسکان داده شده بودند، به تدریج در جامعه اورارتویی ادغام شدند. با این حال، احتمالی که سعی شد بر آن تأکید شود، بر این اساس است که این مردم به‌عنوان شهروند اورارتویی زندگی می‌کردند نه صرفاً به‌عنوان برده. همچنین رویکرد پادشاهی اورارتو در انجام کوچ اجباری را می‌توان به رویکرد اقتصادی و ساخت‌وساز، رویکرد سیاسی-نظامی و رویکرد اجتماعی عنوان کرد. همچنین اورارتویی‌ها تمایلی به تقسیم جوامع به خانواده‌های منفرد، پراکنده کردن آن‌ها در سراسر امپراتوری نداشتند، بلکه برعکس مشتاق به حفظ زندگی اجتماعی کوچ‌شدگان در کنار هم به‌عنوان گروه‌های همگن و گروه‌های کوچک بودند، زیرا این موضوع با منافع دولت اورارتو در تضاد نبود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- Akkuş, S. (2007). *Eski Önasya Toplumlarında Kölelik Müessesesi* [Yayımlanmamış Yüksek Lisans Tezi, Pamukkale Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü].
- Çilingiroğlu, A. (1976). Sargon'un Sekizinci Seferi ve Bazı Öneriler. *Anadolu Araştırmaları*, IV-V, ss, İstanbul.
- Çilingiroğlu, A. (1983). Urartu'da Toplu Nüfus Aktarımları. *Anadolu Araştırmaları*, Sayı 9, ss.
- Çilingiroğlu, A. (1994). *Urartu Tarihi*. Izmir, 150s.
- Çilingiroğlu, A. (1997). *Urartu Krallığı Tarihi ve Sanatı*. Izmir, 171s.

- Gökce, B., Işık, K., & Değirmencioğlu, H. (2012). On Urartian Chariots. *Proceedings of the First International Chariot Conference*.
- Diakonoff, I. M. (1963). *Urartskie pisma i dokumenty* (Urartian letters and documents). Izdatel'stvo Akademii Nauk SSSR.
- Grayson, A.K. (1991). *RIMA II, Assyrian Rulers Early 1st Millennium B.C (1114- 859 B.C.), Vol.1 (The Royal Inscriptions of Mesopotamia. Assyrian Periods, Vol. 2*. University of Toronto Press.
- Iravani Ghadim, F. (2017). Urartu Savaş Aletleri Üzerindeki Betimleme Sanatına Dair Yeni Gözlemler. In S. Özkan, H. Hüryılmaz & A. Türker (Eds.), *Samsat'tan Acmhöyük'e Eski Uygarlıkları İzinde Aliye Öztan'a Armağan* (pp.129-136), Ege Üniversitesi Basım Evi.
- Işıklı, M. (2000). MÖ. 1. Binyılda Erzurum Bölgesi: Arkeolojik ve Yazılı Kanıtlar Işığında Diauehi Krallığı. *Güzel Sanatlar Enstitüsü Dergisi*, 6.
- Konakçı, E. (2006). *Urartu Krallığı'nda Toplu Nüfus Aktarımları ve Bu Uygulamanın Urartu Kültürüne Etkileri* [Yayımlanmamış Yüksek Lisans Tezi, Ege Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İzmir].
- Kotoub, S. (2019). *Ancient and Historical Waterworks of Anatolia, Chapter 2, Water Resorces and Traditional water works of Anatolia*. Environment and Water Resources Group.
- Luckenbill, D.D. (1926). *Ancient Records of Assyria and Babylonia, Vol. I, Historical Records of Assyria from Earliest Times to Sargon*. The University of Chicago Press.
- Melikishvili, G. A. (1951). Nekotorye voprosy social'no-ekonomiöeskom istorii Nairi- Urartu. *Vestnik Drevnei Istorii*, 4, 22-40.
- Melikishvili, G. A. (1960). *Urartskie Klinoobraznye Napisı*. Izdatel'stvo Akademii Nauk SSSR, Moscow.
- Muscarella, O. W. (1971). Qalatgah: an Urartian site in Northwestern Iran. In O.W. Muscarella (Ed.), *Archaeology, Artifacts and Antiquities of the Ancient Near East* (pp. 97-108). Brill. https://doi.org/10.1163/9789004236691_006
- Oded, B. (1979). *Mass Deportations and Deportees in the Neo-Assyrian Empire*. Ludwig Reichert Verlag.
- Payne, M. (2006). *Urartu Çivi Yazılı Belgeler Kataloğu*. Arkeoloji ve Sanat Yayınları.
- Pehlivan, S. (2013). Urartu Krallığı ve Dış Politikası: I. Sarduri (MÖ 844-828), Işpuini (MÖ 828-810) ve Menua (MÖ 810-785) Dönemi. *History Studied*, 5(5), 193-205.
- Salvini, M. (1998-2001). Nairi, Na'iri. In E. Ebeling & B. Meissner (Eds.), *Reallexikon der Assyriologie* 9, (p. 87). Walter de Gruyter.
- Salvini, M. (2006). *Urartu Tarihi ve Kültürü*, Çev. Arkeoloji ve Sanat Yayınları.
- Sevin, V. (1979). *Urartu Krallığı'nın Tarihsel ve Kültürel Gelişimi* [İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Eskiçağ Tarihi Ana Bilim Dalı Doçentlik Tezi].
- Sevin, V. (1999). *Yeni Asur Sanatı I Mimarlık*. 2. Baskı, TTK Yayınları.
- Ünsal, V. (2008). Urartu Krallığının Kuzeybatı Seferleri. *Karadeniz İncelemeleri Dergisi*, 5, 9-32s.
- Zimansky, P.E. (1995). The Urartian Frontier as an Archaeological Problem. In M. Liverani (Ed.), *Neo-Assyrian Geography- Quaderni di Geografia Storica*, Vol. 5, Università di Rome.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
زارعی، مهسا و ایروانی قدیم، فرشید. (۱۴۰۳). کوچ اجباری در دولت اورارتو: مجازات یا سیاست. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۲ (۴۵)، ۳۰-۳۷.

DOI: 10.22034/JACO.2024.445105.1390

URL: https://www.jaco-sj.com/article_203009.html

